نگاه

فقدان گفتمان احزاب در فضای اقتصاد سیاسی

علی قنبری
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

در کشورهای توسعه‌نیافته احزاب و تشکل‌ها یا ضعیف هستند یا مانند رودخانه‌های فصلی و موسمی بوده و گاهی خشک و فعال‌اند و گاهی نیستند. معمولا بیشترین زمان فعالیت احزاب و تشکل‌ها در زمان انتخابات است. این احزاب و تشکل‌ها در پارادایم اقتصادی به عنوان «نهاد» دسته‌بندی می‌شوند.

هر چه ساختار نهادی کشوری پیشرفته‌تر باشد آن کشور از شرایط بهتری برای پیاده‌سازی دموکراسی و قوانین بین‌المللی برخوردار است. تکثر احزاب و تشکل‌ها در انتخابات باعث می‌شود همه صداها و اقشار مختلف جامعه پوشش داده شوند و از تک‌صدایی در کشور جلوگیری شده و به این ترتیب موجب توانمندسازی اقتصاد کشور برای مواجهه با مقاومت‌های بیرونی می‌شود.

اما نقطه آسیب این نوع نهادهای حزبی، در نحوه سهم‌خواهی آنها در زمان فعالیت‌های انتخاباتی است چراکه کفتمان مسلطی برای فضای حزبی در اقتصاد سیاسی ایران وجود ندارد و این احزاب سهم متناسب با عملکرد و نقش‌آفرینی خود در انتخابات را مطالبه نمی‌کنند و به جای آنکه به جریان‌های موج‌های مختلف شکل و ساختار دهند خود از جریان‌ها و موج‌های موجود شکل می‌پذیرند به همین دلیل در عمل نقش موفقی در فضای سیاسی کشور ایفا نمی‌کنند. در واقع آنها نقش اصلی خود که مطالبه برنامه و راهکار از کاندیداهای مورد حمایت خود است را ایفا می‌کنند. احزاب در ایران اهداف و ساختار نامشخص و فراری دارند که نمی‌توان آن را به‌درستی تشخیص داد.

اقتصاد سیاسی ایران که با مفاهیم جامعه‌شناختی در ارتباط تنگاتنگ است، نمی‌تواند به هدایت کاندیداها برای هم‌راستاشدن با مصالح کلی کشور از بعد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی کمک شایانی کند. با وجود این اصل و ریشه‌دار شوند اما در کشور ما احزاب به‌شدت حذف شده و با ظهور مجدد در قالب نام یا میثاق‌نامه‌های جدید ظهور پیدا می‌کنند که مانع از انباشت تجربه اجتماعی و تشکیل احزاب کارآمد است.

خواسته‌ها و مواضع هر حزب قبل از انتخاب کاندیدای مورد حمایت باید مشخص باشد در غیر این صورت فعالیت حزبی به حد فعالیت سنادی تقلیل پیدا می‌کند.

شکل‌گیری تشکل‌ها و احزاب معمولا ریشه در مسائل مهم و تاریخ‌ساز دارند و شکل‌گیری هر حزب می‌تواند در حد یک نقطه عطف در سرنوشت سیاسی اقتصادی یک جامعه اثر بگذارد اما در ایران چنین موضوعی را شاهد نیستیم.

به جای وجود دو یا سه حزب مسلط و کارآمد احزاب متکثر زیادی داریم بعضا تفکیک و تمییز اهداف و برنامه‌های آنها از یکدیگر ممکن نیست.

در مدل‌سازی اقتصاد سیاسی همواره یکی از مشکلات برآورد میزان اثرگذاری مسائل سیاسی بر اقتصاد است. امور سیاسی برخلاف مفاهیم و شاخص‌های اقتصادی غیرقابل برآورد و غیرکمی هستند و مدل‌سازی آنها با نگاه اقتصادی بسیار پیچیده و صعب است. اگر چه مشاهده آثار سیاست بر اقتصاد و رفتار سیکلی انتخابات و روی‌کارآمدن دولت‌های جدید در شاخص‌های کلان مانند تورم، بدهی خارجی و سرمایه‌گذاری و نقدینگی کاملا قابل لمس و مشهود است اما مدل‌سازی آن پیچیده است.

به همین منظور هرچه اقتصاد در دولت کوچک شده و احزاب و تشکل‌های غیردولتی فعالیت پیدا کنند و متولیان اقتصادی، به میزان بیشتری در بخش بازار باشند نه‌تنها اقتصاد واقعی‌تر شده و قدرت جهانی‌شدن کشور بالا می‌رود، بلکه با واکداری امور به متولیان اصلی آنها یعنی بخش خصوصی و بازار، بهره‌وری اقتصادی شدیدا افزایش می‌یابد اما رابط احزاب با بخش خصوصی اقتصاد نقطه مبهمی است که به دلیل عدم شفافیت در اقتصادهای در حال توسعه، مانع جدی برای تقویت و قدرت احزاب می‌شود تا زمانی که منبع مالی و حمایت احزاب مشخص نباشد، نمی‌توان از وجود این احزاب بهره‌وری در حد پتانسیل آنها را به دست آورد.

در واقع تمیزدادن اقتصاد از سیاست همان‌قدر غیرممکن است که جداکردن اقتصاد از بازار. به دیگر سخن در اقتصاد و سیاست نوین جهانی و با به‌وجودآمدن نهادها و تشکل‌های غیردولتی، سیاست و اقتصاد بیش از هر زمان دیگری در یکدیگر تنیده شده‌اند به‌این‌ترتیب تبیین اقتصاد سیاسی از ضرورت‌های هر اقتصادی به نظر می‌رسد. اقتصاد سیاسی بیشترین تبلور و مفاهیم خود را در انتخابات‌ها می‌یابد و در هر کشوری تعریف و مسائل اجرائی خویش را دارد.

هر کشوری بسته به میزان توسعه‌یافتگی و ساختار قدرت خود، ساختارهای نهادی منحصر به فردی دارد در واقع باید گفت یک از علل اختلاف در نتایج سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای در کشورهای مختلف ساختارهای نهادی متفاوت است. به همین دلیل ساختار نهادی تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز اقتصادی در کشور باید از انسجام بالایی برخوردار باشد تا بتواند بالاترین نتایج را از اعمال سیاست‌ها و سیاست‌های اقتصادی به‌دست آورد.

احزاب باید ایفاءکننده برنامه و مطالبه‌کننده اهداف باشند و نماینده مورد حمایت خود را در صورت پیروزی تا تحقق کامل اهداف و برنامه‌ها تحت مراقبت و نظارت داشته باشند اما در اقتصاد سیاسی ایران بعضا کاندیدای مورد حمایت یک حزب تغییر رأی داده و خود را وامدار نمی‌داند یا وفادار به تحقق اهداف آن حزب نیست و به اجای آنکه حزب آن نماینده مجبور باشد را مورد بازخواست قرار دهد، منفعل شده و به لایه‌های غیرفعال سیاسی فرومی‌غلتد.

احزاب و تشکل‌های یک از نمودهای توسعه‌یافتگی هستند و باید با اخذ قدرت برای برآوردن اهداف خود، مبادرت به پذیرش و مسئولیت آنها است و در غیر این صورت نمی‌توان یک تشکل و نهاد اصیل و موفق در ساختار حزبی کشور شکل داد و نه افراد که به اقرایش رضایت اجتماعی و بهره‌وری اقتصادی و توسعه است، بهره‌مند شد.

بررسی وضعیت «سهم خواهان و فرصت طلبان» در آستانه انتخابات در میزگردی با حضور هادی حق‌شناس، علی سرزعیم و ابراهیم نکو

تکاپوی انتخاباتی جریان‌های مرموز

تأمین مالی انتخابات در ایران مثل جعبه سیاه است

شکوفه حبیب‌زاده

عکس: روزنامه رسانه، شرق

تأمین مالی انتخابات کشورهایی ازجمله ایران، مانند جعبه سیاه است؛ هیچ‌کس دقیقا نمی‌داند چه کسی به چه کاندیدایی از بعد اقتصادی کمک می‌کند. البته این یک استراتژی در نظریه بازی‌هاست؛ این ظن قوی است که افراد سودجو و فرصت‌طلب، از این‌ترنشکاهای تاریخی به نفع خود بهره بگیرند و روی هر کاندیدا، به میزان آنچه در تصورشان از پیروزی آن فرد می‌رود، شرط‌بندی کنند.

به همین دلیل است که نباید با بر این گذاشتن «فرصت‌طلبی‌ها» در آستانه انتخابات، بررسی کنیم و این اقتصاددانان به مشاوران کاندیداهای که شعارهای خوب‌غوب می‌دهند، هشدار می‌دهند؛ بدانید چه کسانی به دنبال آن هستند که با شعارهای شما، روی کار بیایند.

«روزنامه شرق» در آستانه انتخابات در میزگردی با حضور هادی حق‌شناس، علی سرزعیم و ابراهیم نکو، تأمین مالی انتخابات کشورهایی ازجمله ایران، مانند جعبه سیاه است؛ هیچ‌کس دقیقا نمی‌داند چه کسی به چه کاندیدایی از بعد اقتصادی کمک می‌کند. البته این یک استراتژی در نظریه بازی‌هاست؛ این ظن قوی است که افراد سودجو و فرصت‌طلب، از این‌ترنشکاهای تاریخی به نفع خود بهره بگیرند و روی هر کاندیدا، به میزان آنچه در تصورشان از پیروزی آن فرد می‌رود، شرط‌بندی کنند.

به همین دلیل است که نباید با بر این گذاشتن «فرصت‌طلبی‌ها» در آستانه انتخابات، بررسی کنیم و این اقتصاددانان به مشاوران کاندیداهای که شعارهای خوب‌غوب می‌دهند، هشدار می‌دهند؛ بدانید چه کسانی به دنبال آن هستند که با شعارهای شما، روی کار بیایند.

▪ برای آغاز، فاکتورهای اقتصادی را تا چه اندازه در خرید رای از سوی کاندیداها مؤثر می‌دانید؟

حق‌شناس: اصطلاحی در فرهنگ ایران مطرح است که در کشورهای توسعه‌یافته کمتر مطرح است و آن اینکه انتخابات به بخش سیاست هم مثل سایر بخش‌ها بازاره می‌دهد، برعکس اینکه معمولا بخش سیاست باید به اقتصاد بازاره بدهد. سفارتخانه‌های کشورهای خارجی در همه دنیا بستر را فراهم می‌کنند که منافع اقتصادی آن کشورها در سایه اقتصاد تضمین شود. ما برعکس همه کارهای سیاسی انجام می‌دهیم که عکس این قضیه اتفاق بیفتد. بخش سیاسی بهره‌های زیادی از اقتصاد می‌برد بدون اینکه به عوارضش توجه کند. اگر کوتاه به چند سال گذشته بکردیم، سه، چهار طرح پوپولیستی در ایران مطرح شد که البته کسانی که ذی‌نفع هستند، بعید می‌دانم در ذهنشان این باشد که این طرح‌ها پوپولیستی بوده. اما از نظر ما که ذی‌نفع نیستیم پوپولیستی بوده است. مانند سهام عدالت از نظر ما پوپولیستی است. ولی از نظر کسانی که ناملمئن شده حق مسلمشان بوده و می‌گویند در ایران همه می‌خورند و می‌برند و حالا یک نفر چیزی هم به ما بدهد. همین استدلال در مورد یارانه‌ها مطرح است که این، حق مسلم بوده. برای اثبات ادله خودم، دولت یازدهم در سال ۹۲، رفراندومی برگزار کرد که در آن، ۹۵ درصد مردم اعلام کردند یارانه را می‌خواهیم. این نشان می‌دهد فاکتورهای اقتصادی به معنی واقعی اثرگذار است. ممکن است درنهایت در رأی، وقتی شخص در خلوت است رأی واقعی خودش را بدهد اما در افکار عمومی و جریانات سیاسی و مسائلی از این دست اثرگذار است. بنابراین در ایام انتخابات طرح‌های اقتصادی که درخصوص مسائل اقتصادی مطرح می‌شود باید از این دید مطرح شود که منهای کار کارشناسی منجر به افزایش سبد رأی می‌شود یا نه.

▪ این مسئله چقدر می‌تواند دستاویزی برای فرصت‌طلبی نامزدها در انتخابات باشد؟

کسانی که یارانه ۲۰۰ هزارتومانی را وعده داده‌اند اگر حساب خودتونا، چهار تا کنیم، برای یارانه ۴۵ هزار تومان، ۴۰ هزار میلیارد تومان پرداختی داریم و وقتی ۲۰۰ هزار تومان وعده هر یارانه می‌شود، طبیعی است که پنج برابر آن یعنی ۲۰۰ هزار میلیارد تومان مبلغ کل پرداختی یارانه خواهد بود. کل مالیات و نفت در بودجه امسال ۲۲۰ هزار میلیارد تومان است. کدام کشوری است که ۲۲۰ هزار میلیارد تومان مالیات و نفت کسب کند که همین میزان را به پرداخت یارانه اختصاص دهد؟ پس حداقل آن، حقوق کارکنان دولت و بیوزه‌های عمرانی چه خواهد شد؟ این شعارهای پوپولیستی و استفاده از عرصه اقتصاد برای رأی‌گیری در عرصه سیاست با همان پرداخت یارانه اثرگذار به سیاست همواره وجود داشته و خواهد داشت. به نظر می‌رسد فضای عمومی کشور با توجه به اینکه این شعارها خیلی خیلی بزرگ در سال‌های ۸۴ و ۸۸ استفاده شد و مردم آنار منفی آن را دیدند و آثار منیتش کوتاه‌مدت بود، حتما اثرگذار خواهد بود ولی آثاری مثل دفعات قبل ندارد. باید دید رقبای دیگر چطور این شعارها را نقد خواهند کرد. نقد آنها و بازکردن جزئیات قضیه از این منظر که چه آثار زیان‌باری در بلندمدت می‌تواند داشته باشد، بخشی از عوارضی است با شکردهای اقتصادی در سیاست است که قابل خنثی‌شدن خواهد بود.

▪ با توجه به ایام انتخابات، آیا شاهد فرصت‌طلبی گروه‌های بزرگ قدرت-ثروت خواهیم بود؟

سرزعیم: ادبیات انتخابات می‌گوید انتخابات کار پرخرجی است و کاندیداها از عهده مخارج برنمی‌آیند و کسانی که کمک مالی می‌کنند خواسته‌هایی دارند. در این حالت شکل انتخابات در ایران عوض شده و در این بودن خبری از تبلیغات کاغذی نیست. از این جهت هزینه‌ها کمتر شده اما کلیپ‌ساختن هم پرهزینه است. جایی که نظام حزبی دارد سعی می‌کند این قضیه شفافتر و تحت کنترل بیشتر باشد. اما در ایران این‌طور نیست و تأمین مالی انتخابات همیشه مثل جعبه سیاه است و مشخص نیست درباره خیلی خیلی مهم بگویم که تأمین مالی انتخابات اینجا چطور است. سؤالی است که هیچ‌گاه جواب داده نشده و باعث می‌شود عده‌ای از آن استفاده کنند. نکته دیگر اینکه به نیست فکر کنیم در کشور ما قدرت، ثروت می‌آورد یا برعکس است؟ یا به هم هستند؟ زمانی خیلی روشن بود. در ایران قدرت، ثروت می‌آورد، یعنی اگر رئیسا به کار می‌رسیدید تضمین می‌شد که درآمد خوبی هم داشته و امتیازاتی کسب کنید. تمرین این‌طور بود که کسی مثل ترامپ بیل‌دار باشد و پولش را هم که کند به‌صورت مستقیم وارد قدرت شود. اتفاق شکل کمی پیچیده‌تر شده. شرکت‌های دولتی کمتر شده و خصولتی شده‌اند و به بخش عمومی رفته‌اند. زائن‌های که در خود دولت وجود داشت کمی کمتر شده. هرچند هنوز هم شده. ولی نسبت به گذشته اگر مقایسه کنید اینکه قبلا قدرت، کاملا ثروت می‌آورد، کمی تعدیل شده و ثروت به قدرت وارد می‌شود و کمی قدرت به ثروت. به نظرم تغییر جنبی در طول زمان داشته‌ایم.

▪ وام‌دهی قدرت به ثروت و عکس آن، ثروت به قدرت، چقدر می‌تواند در انتخابات جذابیت ایجاد کند؟

نکو: اگر بخواهم اشاره‌ای کنم به ارتباط بین سیاست و اقتصاد باید به‌صراحت اعلام کنم حوزه سیاست با وام‌دار حوزه اقتصادی شده و متأسفانه امروز گروه‌ها و جناح‌های سیاسی بیلی خاوه‌شان را منابع اقتصادی می‌دانند که

> **ممکن است افرادی پشت سر برخی نامزدهای ریاست‌جمهوری باشند که دنبال فساد اقتصادی باشند. این افراد پشت سر نمایندگان مجلس و کاندیداهای شورای شهر هم هستند. هر جا که زمینه فراهم باشد، می‌آیند. اما فسادی که انجام می‌شود نسبت به تولید ناخالص ملی، عددی بسیار ناچیز است**

باشند که دنبال فساد اقتصادی باشند. این افراد پشت سر نمایندگان مجلس و کاندیداهای شورای شهر هم هستند. منتها هر جا که زمینه فراهم باشد، می‌آیند. اما فسادی که انجام می‌شود نسبت به تولید ناخالص ملی، با نسبت به بودجه دولت، عددی بسیار ناچیز است. بنابراین نمی‌توانیم به‌عنوان یک اتفاق خیلی‌خیلی مهم بگویم که این اتفاق وحشتناک در اقتصاد ایران افتاده. به نظرم قدرت سیاسی در ایران خیلی‌خیلی مهم‌تر از قدرت اقتصادی است. یعنی اگر افراد در شورای شهر یا مجلس یا کاندیدای ریاست‌جمهوری تلاش می‌کنند قدرت سیاسی به دست آورند، همان قدرت سیاسی برایشان مهم است. نه اینکه آن قدرت را بگیرند و بعدا به ثروت برسند. نه اینکه ثروت است اما بسیار ناچیز و قابل اغماض است.

نکو: توجه کنید که دیده‌هایی مانند بابک زنجانی را به وجود می‌آورند درحالی‌که اگر از لحاظ روان‌شناسی به این افراد نگاه کنیم، می‌بینیم که نابغه هستند و می‌توانند در بخشی از اقتصاد ما از نوع مثبت اثرگذار باشند. اگر من می‌توانم شخصی مثل بابک زنجانی را شناسایی کنم، در جهت منافع کشور و نظام هدایتش می‌کردم. بابک زنجانی‌ها در حوزه اقتصادی اعجوبه هستند اما از سوی گروه‌هایی که پشت پرده به کمین نشسته‌اند، برای مقاصد خودشان شکار می‌شوند. به نظرم در کشور ما گروه‌ها و جریان‌های سیاسی به دنبال فساد نیستند اما فسادهایی که بروز و ظهور می‌کنند، به‌کمین‌نشسته‌ها هستند. یعنی در تلاش هستند گروه سیاسی به نوعی در جامعه حاکم شود و بتوانند در قالب آن به منافع خودشان برسند؛ یعنی آن را ابزار قرار دهند. امروز باید به این نکته توجه کنیم که در کوتاه‌مدت، اینکه کاندیداها شعارهایی می‌دهند که بلافاصله فساد را ریشه‌کن خواهند کرد، یک شعار از نوع پوپولیستی است. اینکه ما نهادها را مرجع کنیم برای رأی‌آوردن، ابزاری در دست برخی است. اینکه منکر این باشیم که در کشور در حوزه‌های مختلف فساد اندک است، تأیید نمی‌کنم، فساد هنوز در دستگاه‌های ما ریشه دارد و حاکمیت هم منکر این نیست و دوست ندارد که وجود داشته باشد. اما گروه‌های مرموز هنوز به طور کامل برای دست‌اندرکاران ردیه‌بالا هم قابل شناسایی نیستند. یک اراده نیاز است که به نظرم این اراده با شعار امکان‌پذیر نیست و نیازمند برنامه‌ریزی صحیح است. در انتخابات کنونی، اینکه کاندیداهای ریاست‌جمهوری را متهم کنیم که شعارهایشان منتهی به فساد اقتصادی خواهد شد، این هم درست نیست. اگر امروز از تزریق نقدینگی نجومی و فوق‌نجومی، مثلا پرداخت یارانه و حق بیمه آنجنانی، به‌عنوان بازایجاد فساد اقتصادی و بروز و ظهور فساد‌های آن‌چنانی یاد کنیم، در دستور کار کاندیداها نیست اما مطمئنا تعدادی آزرزیشان این است که این اتفاقات بیفتد چون از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند. حال، فاسدان اقتصادی می‌خواهد به یک نهاد خصوصی متعلق باشد یا دولتی و ... ولی اگر بخواهیم نهادی را به صورت تام متهم کنیم، درست نیست اما مکرر وجود فساد هم نیستم و اینکه هر گروه به غیر از گروه‌های سیاسی، نهادهای مختلف هم از کاندیدای خاصی حمایت می‌کنند و می‌خواهند موفق شود یا در جهت قدرت‌گرفتن وظایف صنفی خودشان یا تعدادی هستند که به فساد دامن بزنند. بنابراین شکل‌گیری بابک‌زنجانی‌ها و خاوری‌ها و افراد دیگر محصول بی‌تدبیری برخی هاست. اگر مجدداً چنین تیپ فکری و افکاری ظهور کند و ریاست کشور را بر عهده بگیرند، مطمئنا ابزارهای این تخلفات مدرن‌تر می‌شود. همیشه باید در اقتصاد مدنظر داشته باشیم کسانی که فاسد اقتصادی و دنبال برهم‌زدن حوزه اقتصادی به منظور کسب منافع خودشان هستند، از برنامه‌ریزان یک قدم جلوتر هستند. چون آنها به این موضوع فکر می‌کنند که جطور به انباشت سرمایه خودشان اضافه کنند و دنبال درآمدهای نامشروع هستند. بنابراین باید از مشاوران شش کاندیدای کنونی انتظار داشته باشیم که تذکر دهند پشت شعارهای شما چه کسانی بروز خواهند کرد.

▪ فساد حتی اگر سیستماتیک نباشد، به سبب نبود شفافیت در ایران درمقابله با کشورهای توسعه‌یافته، نمی‌تواند فرصت‌طلبی در برنامه‌های با کشورهای توسعه‌یافته، نمی‌تواند فرصت‌طلبی در برنامه‌های تاریخی مثل انتخابات برای رأت‌جویان فراهم کند؟

نکو: روی‌همرفته‌ای حتی اگر اندک باشد، می‌تواند یک بحرانی را به هم بریزند. بابک زنجانی یک نفر است. اما امروز در تیتر رسانه‌ها قرار گرفته. اینکه بشست بابک زنجانی چه کسانی هستند. باید ریشه‌یابی شود. من بابک زنجانی را به‌عنوان یک عمل اقتصادی می‌دانم اما نتوانستیم ایشان را در جهت مثبت همراه کنیم. ایشان می‌توانست در زمان تحریم‌ها در برابر کارها به درد ما بخورد. اما ایشان از قبل تحریم‌ها منافع خودشان را در مسیر دیگری قرار دادند. اینکه تصور کنید گروه‌هایی سیستماتیک وجود دارند که برنامه‌ریزی می‌کنند که به منافع اقتصادی خودشان برسند که به نوعی فساد می‌شود. این تیپ افراد برای یک فرد برنامه کشور به قیمت‌های نازلت مبنی و در حال کاهشه بدهد را به‌عنوان ظرفیت او کمک اخیر این مشخص می‌شاد و سال گذشته خوش بدون قدرت آن حدود به درصد رشد کرده است. این حرکت مبنی، مگر با توجه به بخش تولید و فاصله‌گرفتن از اقتصاد رانتی (فرصت‌طلبانه) و سودجویانه. در سیاست‌های متروک شده‌اند، هدف، وسیله را توجیه می‌کرد و سودجویان در پشت شعارتر ارزشی به اقتصاد بیرو می‌کردند. نمونه‌اش مثلا با وام‌های کلان به خواص. حجم پول در هشت سال ۱۰برابر شده؛ نورم به ۲۰ درصد رسید. معوقات بانکی شش برابر حجم بدهی‌های بانک‌ها و شرکت‌های دولتی. فاکتوری که باعث شد اشتغال در ۱۲ درصد جمع حرکتی نباشد و ادامه داشته است. در حالی‌که از اول معادل دو برابر حد سال قبل از درصد ابزری داشته است. این نابهنجاری غلبه‌کار بدهد است و باتی این فجایع باید بازخواست شوند. از چنانچه‌ار ۱۰سال و برنامه بیش‌ساله ۸۰ درصد عدول شد. درحالی‌که مورد قانون بود و مورد تأیید نمایندگان مردم و رهبری ارجحند نظام بود. خلاصه، اقتصاد کشور را به‌سمت بیمار، ضعیف و نحیف کردند تا اینکه در این دوره، به صورت مواظبه‌سازی و درمان اقتصاد کشور سخن به میان آمد و البته قرار است آمده ما حرب و غیرقابل‌گذشتی که با آسیب‌های وارده از دشمن بعنی قابل مقابله است. برداخته شود. به هر دلیل مفاسد و اختلاس‌ها را ممنوعی نشوند. متأسفانه همین خواسته، امروز سبب رودارای برخی مدعیان امروز شده است. خوشبختانه با توصیه مقام معظم رهبری مراقبت شده از جریان انحرافی ذکرشده. مردم ویژه توجه نمی‌شود. اما ممکن است برخی روش و فرهنگ را و حداقل برای جذب آرا موفق دیده باشند و بنابراین سبک گفتمان انحرافی را سرلوحه تبلیغی خود قرار دهند. صرف‌نظر از توانایی و عدم توجه به مخربوبودن بعضی برنامه‌ها، مانند رشد چندبرابری یارانه‌ها، رفع‌کاری اجتماعی، شعارهای مردم‌پسند در دهه و با گروه‌های فرصت‌طلب، پشتیبانی از خود را جوت‌وجو کنند و بنت ارزش‌های مبنی بر مهنگ و سنگر بکشد و راه‌های نامیمون خود دفاع کند و سادده‌آن را مجذوب خود کنند، به فرمایش مقام عظمای ولایت، چون امر مهم است. کوچک‌ترین انحراف نیز مهم و سونوشت‌ساز است. پس بصری است مراقبت شود تا دیدگاه گروه‌های که بصیرت که پشتیبان جریان مخرب مهارشده بیشین بنوین، مجزا مجدد مبنای انتخاب افراد گزینه. هر ادعایی باید بتواند بیشین بنوین و با دیدگاه واقع‌گرایانه ارزیابی شود. فهرخیکان مسئولیت دارند به محیط انداز خود کمک کنند. امروز بیش از آنکه تعلق خاطر جریان سیاسی خاص مهم باشد، عقلانیت تعیین‌کننده است.

حال هر دولتی آن شعارها را بدهد. هرکسی دیگر که پشتش باشد یا امروز کسی پشتش نباشد، اما آن زمان پشت آن قرار خواهد گرفت. در آن شرایط حتما فسادها را انجام می‌دهند چون زمینه‌ها فراهم می‌شود. در دولت‌های نهم و دهم دو مورد بابک زنجانی و خاوری پیدا شد. آیا کسانی دیگر نیستند؟ اگر کشور را بنگاه اقتصادی فرض کنیم آن کشور به لحاظ مالی ورشکسته است. چون بحران‌های صندوق بازنشستگی، بانکی، نظام ارزی، محیط زیست، بی‌کاری، اشتغال ناقص و... وجود دارد. مسائل اجتماعی و نرخ طلاق را هم اگر حساب کنیم، باید بگوییم دچار بحران هستیم. اما اگر این بحران‌ها را تقسیم کنیم، در هشت سال دولت سازندگی، هشت سال دولت اصلاحات، هشت سال دولت اصولگرا و چهار سال دولت اعتدال. در کدام دوره‌ها به نقطه اوج خودش می‌رسد؟ در سال‌های ۷۳ تا ۹۵. سه سال معادل سال ۹۰، درآمد نفتی داشتیم. در سال ۹۰ رشد اقتصادی سه درصد بوده مجموع این سه سال رشد اقتصادی شده ۱۰ درصد. چرا چنین اتفاقی افتاد؟ آنجا بستر کارهای زیبراختی بوده، بلکه بستر کار عوام‌فریبانه و باری به هر جهت بوده. سهام عدالت، مسکن مهر، وعده دو هزار متر زمین هیچ‌کس در ایران نمی‌داشت؛ ما سرای ۸۰ میلیون نفر نباید دو هزار متر زمین مرغوب بدهیم که ویلاسازی کنند؟ این بحث دو دوتا چهارتاست. بنابراین هر دولت دیگری در حال‌وهوای دولت‌های نهم و دهم باشد این اتفاقات می‌افتد. چه آدم‌ها، الان پشتش باشند یا وقتی که بستر فراهم شد.

▪ با نزدیکی به انتخابات عمومات فضا ملتهب‌تر می‌شود. آیا امتیازگیری بین گروه‌های موجود که در نقشا هم قرار می‌گیرند هم مشاهده خواهد شد؟ مثلا کاندیداها یک‌سری حامیان در حوزه اقتصاد دارند. امتیازگیری‌ها در این شرایط به چه صورت خواهد بود؟

سرزعیم: گروه‌های ذی‌نفع معمولا کمی پیچیده عمل می‌کنند. بعضی‌ها روی یک کاندیدا شرط می‌بندند بعضی‌ها هم میکس‌استراتژی دارند. مثل آمریکا که در حرکومت به خود حکومت کمک می‌کند و به مخالفان حکومت هم کمک می‌کند.

حق‌شناس: نکته‌ای را بگویم. کسانی که می‌خواهند کار اقتصادی راتی کنند، الان به همه ستادها کمک می‌کنند. آنها زیل‌تر از اینها هستند و خوب بلدند چه کنند.

سرزعیم: بله، منطق آنها چنین است. براساس نظریه بازی‌ها، بعضی‌ها فقط روی یک کاندیدا شرط می‌بندند و بعضی استراتژی دیگری دارند. بعضی سعی می‌کنند کمی فاصله‌شان را از سیاست حفظ کنند و نشان دهند غیرسیاسی هستند. هر دولتی هم که بیاید شبکه خودشان را در پایین با بوروکرات‌ها حفظ می‌کنند چون بوروکرات‌ها با تغییر دولت‌ها تغییر نمی‌کنند و رویه‌شان را ادامه می‌دهند.

▪ این گروه‌ها چه کسانی هستند؟

سرزعیم: جامعه ایران، جامعه‌ای راتی است. به این معنی که بخش‌های مختلف بلد گرفته‌اند راتت و امتیاز بگیرند و دولت‌ها برای ساکت‌کردن جامعه بسیاری از گروه‌های مختلف امتیاز داده است. مثلا بعضی امتیازهای برجسته را نگاه می‌کنند. به‌عنوان نمونه استادهای دانشگاه می‌توانند بدون کنکور فرزندانشان را به دانشگاه بفرستند یا جابه‌جا کنند. این یک امتیاز است که دولت به استادها داده. ولی فقط این نیست. به اقشار مختلف امتیاز داده. خیلی قشرها زودتر از موعد بازنشسته شده‌اند یا از وام و اموال ارزان گرفته‌اند. کشاورزان سوبسیدهای فراوان می‌گیرند. با جامعه‌ای طرف هستیم که هرکسی باید گرفته به نوعی با دولت معامله کند. مسکن مهر لایه‌های سیاسی دارد که البته مهندسان بوده و یک فشار مهندسان بوده که اینها ذی‌نفع بوده‌اند، کلی پروژه گرفته و اجرا کرده‌اند. پس شرکت‌های مهندسی هم ذی‌نفع مسکن مهر بوده‌اند. در این بیش از حد سد ساخته می‌شود درحالی‌که این همه سد نیاز نداریم. حتما شرکت‌هایی هستند که نفعشان در سدسازی برای کشور است. پروژه تعریف می‌کنند و نماینده مجلس را طی می‌دهند که در بودجه آن را فرار دهند. نمی‌توانم بگویم فقط این گروه هستند. احساس می‌کنم در جامعه‌ای هستیم که این فایده برای کشور است.

▪ مشخص نیست کدام گروه‌ها پشت‌صحنه قرار گرفته‌اند؟

سرزعیم: بعضی در زمان‌هایی قدرت بیشتری گرفته‌اند اما فکر نمی‌کنم خیلی محدود شده باشد و دیگران نتوانند قدرت‌ها را کسب کنند. همه به نحوی درگیر شده‌اند.

حق‌شناس: اگر شبه‌دولتی‌ها مطرح شوند، آنجا تکی وارد نمی‌شوند. نهادشان باید وارد شود که صرفا می‌توان سیاسی تعبیر کرد. چون آنها با انگیزه‌های سیاسی وارد می‌شوند.

نکو: بیشتر منافع صنفی‌شان را دنبال می‌کنند که تقویت شود.

حق‌شناس: اگر وارد می‌شوند با انگیزه‌های اقتصادی است. یعنی اقتصاد رایشان اهمیت ندارد. چون سودهای فراوانی دارند که دیلی بیشتر از سودهای اقتصادی است.

▪ بحث فرصت‌طلبی در کشورهای توسعه‌یافته هم دیده می‌شود. آیا از رأویه به اینجا حجم فساد ماسافانه بالاست؛ این قضیه در ایران بزرگ‌تر خواهد بود؟

حق‌شناس: فرصت‌طلبی‌ها در ایران هاتفکم تبلیغات نامزدهای ریاست‌جمهوری وجود دارد. اینکه کسانی بخواهند سوءاستفاده از اقتصاد را بکنند، اینها افریقی هستند اما تعدادشان خیلی در قالب شرکت‌های خصوصی بسیار اندک است. ممکن است برخی شرکت‌های شبه‌دولتی وجودهای بیرند ولی در ایران فساد سیستماتیک با مسائل سیاسی‌پافته نداریم که بخواهیم از دستگاه‌های ما ریشه دارد و حاکمیت هم منکر این نیست و دوست ندارد که وجود داشته باشد. اما گروه‌های مرموز هنوز به طور کامل برای دست‌اندرکاران ردیه‌بالا هم قابل شناسایی نیستند. یک اراده نیاز است که به نظرم این اراده با شعار امکان‌پذیر نیست و نیازمند برنامه‌ریزی صحیح است. در انتخابات کنونی، اینکه کاندیداهای ریاست‌جمهوری را متهم کنیم که شعارهایشان منتهی به فساد اقتصادی خواهد شد، این هم درست نیست. اگر امروز از تزریق نقدینگی نجومی و فوق‌نجومی، مثلا پرداخت یارانه و حق بیمه آنجنانی، به‌عنوان بازایجاد فساد اقتصادی و بروز و ظهور فساد‌های آن‌چنانی یاد کنیم، در دستور کار کاندیداها نیست اما مطمئنا تعدادی آزرزیشان این است که این اتفاقات بیفتد چون از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند. حال، فاسدان اقتصادی می‌خواهد به یک نهاد خصوصی متعلق باشد یا دولتی و ... ولی اگر بخواهیم نهادی را به صورت تام متهم کنیم، درست نیست اما مکرر وجود فساد هم نیستم و اینکه هر گروه به غیر از گروه‌های سیاسی، نهادهای مختلف هم از کاندیدای خاصی حمایت می‌کنند و می‌خواهند موفق شود یا در جهت قدرت‌گرفتن وظایف صنفی خودشان یا تعدادی هستند که به فساد دامن بزنند. بنابراین شکل‌گیری بابک‌زنجانی‌ها و خاوری‌ها و افراد دیگر محصول بی‌تدبیری برخی هاست. اگر مجدداً چنین تیپ فکری و افکاری ظهور کند و ریاست کشور را بر عهده بگیرند، مطمئنا ابزارهای این تخلفات مدرن‌تر می‌شود. همیشه باید در اقتصاد مدنظر داشته باشیم کسانی که فاسد اقتصادی و دنبال برهم‌زدن حوزه اقتصادی به منظور کسب منافع خودشان هستند، از برنامه‌ریزان یک قدم جلوتر هستند. چون آنها به این موضوع فکر می‌کنند که جطور به انباشت سرمایه خودشان اضافه کنند و دنبال درآمدهای نامشروع هستند. بنابراین باید از مشاوران شش کاندیدای کنونی انتظار داشته باشیم که تذکر دهند پشت شعارهای شما چه کسانی بروز خواهند کرد.

▪ فساد حتی اگر سیستماتیک نباشد، به سبب نبود شفافیت در ایران درمقابله با کشورهای توسعه‌یافته، نمی‌تواند فرصت‌طلبی در برنامه‌های تاریخی مثل انتخابات برای رأت‌جویان فراهم کند؟

نکو: روی‌همرفته‌ای حتی اگر اندک باشد، می‌تواند یک بحرانی را به هم بریزند. بابک زنجانی یک نفر است. اما امروز در تیتر رسانه‌ها قرار گرفته. اینکه بشست بابک زنجانی چه کسانی هستند. باید ریشه‌یابی شود. من بابک زنجانی را به‌عنوان یک عمل اقتصادی می‌دانم اما نتوانستیم ایشان را در جهت مثبت همراه کنیم. ایشان می‌توانست در زمان تحریم‌ها در برابر کارها به درد ما بخورد. اما ایشان از قبل تحریم‌ها منافع خودشان را در مسیر دیگری قرار دادند. اینکه تصور کنید گروه‌هایی سیستماتیک وجود دارند که برنامه‌ریزی می‌کنند که به منافع اقتصادی خودشان برسند که به نوعی فساد می‌شود. این تیپ افراد برای یک فرد برنامه کشور به قی